

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۱۱، شماره سوم، زمستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۳

صص ۶۹-۸۴

الگوی فضایی اندام‌وار احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری نمونه موردی: شهر بندرعباس

مرضیه رضانژاد، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری مرکز تخصصی دکتری دانشگاه پیام‌نور، ایران*

سید مهدی موسی کاظمی، دانشیار، گروه جغرافیا دانشگاه پیام‌نور، ایران

مجتبی رفیعیان، دانشیار، گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، استاد، گروه جغرافیا دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران

چکیده

یکی از معیارهای توسعه شهری، که به عنوان معیار اثربخشی برنامه‌های توسعه تلقی می‌شود و رفتارهای شهروندان و به تبع آن پویایی شهر، به‌ویژه چگونگی حضور و ایفای نقش شهروندان در شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، احساس امنیت و یا ترس از قربانی جرم شدن در شهر است. رشد سریع شهرنشینی در ایران و شهر بندرعباس و پیامدهای ناشی از آن، از جمله ناامنی و عدم پویایی و تحرک شهروندان و به تبع آن ترس از قربانی شدن، بیانگر آن است که احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری به عنوان یک مسأله و نیاز شهروندان مطرح است. این پژوهش در پاسخ به ضرورت فوق، با هدف ارایه الگوی اندام‌وار برای ارتقای احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر بندرعباس انجام شده است. مرور ادبیات نظری در خصوص احساس امنیت، نشان‌دهنده این است که احساس ناامنی در بستر مکان رخ می‌دهد و رفتار انسان در فضا و مکان‌های مختلف، متفاوت است. مبانی تئوریک این مقاله بر نظریه‌ها و رویکردهای تئوریک پیشین؛ به‌ویژه الگوی آزار و اذیت، الگوی بی‌نظمی، الگوی چشم انداز-پناهگاه، الگوی فضای قابل دفاع، الگوی نظارت اجتماعی و... شکل گرفته است. الگوی تئوریک ارایه شده با استفاده از روش پیمایش و تکنیک مصاحبه در فضاهای عمومی شهر بندرعباس به آزمون گذاشته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد سه دسته عوامل اجتماعی، زمینه‌ای و کالبدی در تعامل با یکدیگر به صورت اندام‌وار چگونگی احساس امنیت در فضاهای عمومی را تبیین می‌کنند. لذا پیشنهاد می‌شود برای دستیابی به الگوی مناسب احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری، باید به شاخص‌های فضایی کالبدی، اجتماعی و زمینه‌ای به طور توأمان توجه شود.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت، شهر، فضای عمومی، الگوی اندام‌وار

مقدمه و بیان مسأله

یکی از معیارهای توسعه شهری، که به عنوان معیار اثربخشی برنامه‌های توسعه شهری تلقی می‌شود و رفتارهای شهروندان و به تبع آن پویایی شهر، به‌ویژه چگونگی حضور و ایفای نقش شهروندان در شهرها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، احساس امنیت و یا ترس از قربانی جرم شدن در شهر است. پیمایش‌ها و نظرسنجی‌های اجتماعی تأیید کننده این نکته هستند که ترس از جرم، یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی در شهرهای امروزی است و از قربانی واقعی جرم شدن شایع‌تر است (Valera, & Guàrdia, 2014; Valenta, 2013) و (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۴۶). ترس از جرم، نیروی قدرتمندی است که ادراک ما از شهر (England & Simon, 2010) را فراتر از سادگی خطر قربانی جرم شدن، شکل می‌دهد (Garofalo, 1979) و آمیخته‌ای از ادراکات و تجربیاتی است که خود را در اعتقادات و توهمات مختلفی اسیر می‌بینیم که می‌توانند تأثیر منفی روی رفتار ما داشته باشند و کیفیت زندگی ما را کاهش دهند (Nasar & Fisher, 1993). والرا آورده است که این نوع ترس زائیده پویایی مسایل اجتماعی پیچیده بر فراز تبیین‌های ساده انگارانه مسایل شهری است (Valera, & Guàrdia, 2014).

شهر در صورتی قادر به ایفای کارکردهای ویژه خود خواهد بود که امنیت در نزد ساکنان آن در حد قابل قبولی ارزیابی شود. از نظر علمی، ترس از وقوع جرم به اندازه خود آن درخور توجه است. واکنش نسبت به ترس از قربانی جرم شدن باعث می‌شود که بسیاری از مردم از خطرهای دوری کنند یا حداقل، میزان در معرض خطر قرار گرفتن خود را کاهش دهند. این خود می‌تواند به عدم حضور مردم نه تنها در یک مکان خاص؛ بلکه در بیشتر فضاهای عمومی منجر شود (مدیری، ۱۳۸۵).

ترس از جرم در فضای عمومی می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم، احساس پریشانی، ناتوانی و ترس را افزایش دهد (Mair, 2010: 811). از پیش نیازهای لازم برای یک محیط

پایدار شهری، این است که نباید استفاده‌کنندگان حال یا آینده را در معرض تهدیدی قرار دهد. کاهش تهدیدات سلامت فردی و محیط طبیعی، اهدافی هستند که عموماً با مفهوم توسعه پایدار شهری مرتبطند (محمودی جانکی و قورچی بیگی، همان: ۳۶۱). در واقع، فضاهای عمومی محلی برای تعاملات اجتماعی در جهت زندگی سالم هستند. این فضاها بیشتر در قالب میدان‌ها، پارک‌ها، بازارها و خیابان‌هایی که آن‌ها را به هم ربط می‌دهند، مطرح می‌شوند (Lubuva & Mtani, 2004: 23).

از پیش نیازهای لازم برای یک محیط پایدار شهری، این است که نباید استفاده‌کنندگان حال یا آینده را در معرض تهدیدی قرار دهد. تقلیل تهدیدها به سلامت فردی و محیط طبیعی، اهدافی هستند که عموماً با مفهوم توسعه پایدار شهری مرتبطند. با این حال، همچنین در یک محیط پایدار شهری ضروری است که ساکنان «از امنیت شخصی و امنیت دارایی‌هایشان ترس نداشته باشند» (Du Plessis, 1999: 33). به طور حسی نیز ما انتظار داریم که ادراک ناامنی از یک محیط باعث شود که مردم فعالیت فیزیکی و قدم زدنشان را محدود کنند (Foster, et al. 2014). گروه‌های اجتماعی، قومی و اقتصادی که احساس می‌کنند به وسیله خشونت و جرم تهدید می‌شوند، معمولاً در جستجوی محله‌های مجزا شده در محیط‌های شهری هستند و یا برای رهایی از محدودیت‌های شهری و بهبود شرایط زندگی‌شان، چنین فضاهایی را با دوربین‌ها، نگهبانان، پلیس، فنس‌های الکتریکی و دیوارها مجهز می‌کنند (Akenya Alkimim et al. 2013). در یک جمع‌بندی، اهمیت مطالعه احساس امنیت و آرایه الگویی برای ارتقای آن در محیط‌های شهری را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- میان توسعه و احساس امنیت رابطه متقابل برقرار است. دستیابی به توسعه پایدار شهری مستلزم برخورداری اکثریت شهروندان از حد قابل قبولی از احساس امنیت است.

الگوی آزار و اذیت (مستقیم و غیرمستقیم)

طرفداران این الگو احساس ترس از وقوع جرایم را نتیجه تجربه مستقیم و غیرمستقیم آزار و اذیت مجرمانه می‌دانند. همچنین، الگوی آزار و اذیت به طور غیرمستقیم به این مسأله اشاره دارد که افراد دارای جایگاه مستحکم از لحاظ اجتماعی، اظهار ترس بیشتری از احتمال وقوع جرایم دارند؛ چرا که احتمال اطلاع یافتن آن‌ها از اخبار مورد آزار و اذیت قرار گرفتن دیگران در محیط پیرامونی آن‌ها بیشتر است. محققان با استفاده از مدل قربانی شدن دریافته‌اند که تجارب فردی از قربانی شدن باعث ترس از بزهکاری و جرم شده‌اند. در این مطالعات، نشان داده شد که قربانی شدن مستقیم در مقایسه با قربانی شدن غیرمستقیم، به ترس بیشتری منجر می‌شود (Valera, S. & Guàrdia, J. 2014). در این مدل تجارب قبلی قربانی شدن، چه تجارب مستقیم و چه تجارب غیرمستقیم، از عوامل منجر شدن به ترس دانسته شده‌اند (Shahdadi & Zanjanzadeh, 2008).

نظریه بی‌تمدنی (بی‌نظمی) و رویکرد پنجره‌های شکسته^۱

در سطح محله، محققان تلاش کرده‌اند مشخص کنند که چگونه ترکیب اجتماعی و ساختاری محله‌ها می‌تواند ترس از جرم در بین ساکنان را افزایش دهد. تأثیر دامنه وسیعی از ویژگی‌های محله روی سطوح ترس فردی آزمون شده است. اصلی‌ترین عامل در این میان مدل بی‌تمدنی است. پژوهش‌های انجام شده این حوزه به این یافته رسیده‌اند که بی‌تمدنی‌های اجتماعی (مانند مستی در ملاء عام، سر و صدا، حضور جوانان و اعضای گروه‌های بزهکار، فراری‌ها و مردم بی‌سرپناه در عرصه‌های عمومی) و فیزیکی (مانند ریختن آشغال و زباله از پنجره، ساختمان‌های مخروبه و فرسوده، بی‌توجهی به فضاهاى عمومی، نقاشی‌ها و دیوار نوشته‌های ترسناک و نامربوط توسط گروه‌های بزهکار) ترس از جرم را افزایش می‌دهد و در واقع، بی‌تمدنی حد وسط ادراک خطر

۲- از دیدگاه مصالح افراد جامعه و حقوق فردی شهروندان باید گفت در شرایطی که اکثریت شهروندان در وضعیت تنش‌آمیز و توأم با احساس ناامنی قرار گیرند، امکان رشد و بالندگی و عرضه توانمندی‌های خود را نمی‌یابند.

۳- احساس ناامنی بر کم و کیف تعاملات اجتماعی تأثیر می‌گذارد. در سایه احساس امنیت، اعتماد متقابل، عواطف مثبت، تعاملات اجتماعی و به تبع آن، سرمایه‌های اجتماعی تقویت می‌شود. وقتی نگرش‌ها، عقاید و حالات فردی سطوح بالاتری از ترس را نمایان کنند، تغییرات منفی در رفتار فردی به نوعی از هم گسیختگی و عدم تعلق و وابستگی به اجتماع بزرگتر منجر می‌شود.

۴- احساس ناامنی ظرفیت جامعه را برای بروز و شیوع رفتارهای غیرقانونی افزایش می‌دهد.

با توجه به موارد فوق، این مقاله با هدف ارزیابی الگوی اندام‌وار احساس امنیت شهروندان در فضاهاى عمومی شهر بندرعباس انجام شده است. مبانی نظریه‌ای الگوی فوق بر نقد و بررسی نظریه‌ها و رویکردهای تئوریک پیشین در خصوص احساس امنیت؛ به‌ویژه الگوی آزار و اذیت، الگوی بی‌نظمی، الگوی چشم‌انداز-پناهگاه، الگوی فضای قابل دفاع، الگوی نظارت اجتماعی و... شکل گرفته است.

چارچوب تئوریک

بررسی آراء صاحب‌نظران پیرامون موضوع امنیت، بیانگر این نکته است که عمده تئوری‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده در زمینه مسأله امنیت توسط عالمان علم سیاست؛ به‌ویژه در دانش روابط بین‌الملل مطرح شده است. در واقع به مسأله امنیت بیشتر در بعد ملی و در مقیاس روابط بین‌المللی پرداخته شده است. در نظریه‌های جغرافیدانان مفهوم احساس امنیت/ ترس از جرم به عنوان یک موضوع مستقل کمتر مورد تأمل و تحلیل نظری قرار گرفته است. در ادامه، در این نوشتار به مطالعه و نقد نظریه‌ها و الگوهای فضایی مطرح شده پیرامون احساس امنیت پرداخته شده است:

¹ The incivilities thesis

وسیله گروهی از مردمی که در ناحیه‌ای با هم شریکند، اداره شوند». این راه، طراحی محیط مصنوع را در رابطه با ارتکاب جرم دخیل می‌داند و می‌گوید که طراحی می‌تواند سبب بازداشتن یا کمک کردن به مجرم در انتخاب محل جرم و عمل جنایی شود. به نظر نیومن "فضای قابل دفاع" اصطلاحی جایگزین برای گستره سازوکارهایی است که دست به دست هم می‌دهند تا محیطی را تحت کنترل ساکنانش در آورند. در فضای قابل دفاع، چهار عامل وجود دارند که به صورت منفرد و همراه با هم در ساخت محیط شهری امن تر عمل می‌کنند: اول، محیط فیزیکی می‌تواند در ساخت مناطق نفوذ منطقه کمک کند، که می‌تواند سبب رشد حس «مالکیت» و بنابراین، توجه مالکانه - به محله - در ساکنانش گردد. دوم، طراحی محیطی می‌تواند برای تأمین فرصت‌های نظارت برای ساکنانش و عاملان نشان استفاده شود. سوم، طراحی می‌تواند بر فهم بی‌همتایی، انزوا و بدنامی و در نتیجه، «تصویر کلی» یک طرح یا پروژه تأثیر بگذارد. چهارم، محیط اطراف می‌تواند مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر امنیت باشد، که اقدامات طراحی محیطی محلی می‌تواند بر آن تأثیر گذارد (Cozens, 2002: 132). نوروژی و فولادی سپهر (۱۳۸۱) با تحلیل محتوای پژوهش‌های انجام شده در زمینه ناامنی محل سکونت در ایران، مکان‌های ناامن در این پژوهش‌ها را این‌گونه بر می‌شمرند: وجود فضاهای خالی در پشت موانعی که دید ناظران را از بین می‌برد، فرورفتگی‌ها و موانع قطع ارتباط بصری که موجب ایجاد امنیت برای بزهکاران می‌شود؛ همچنین، زیرگذرها، گودی‌ها و زیر پله‌ها (نوروژی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

رویکرد پیشگیری از جرم با استفاده از طراحی محیطی^۲

دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ شاهد ظهور چندین رشته موضوعی «جغرافیای جرم» بوده است که بوم‌شناسی اجتماعی جرم را بررسی و بر مکان، فضا و قلمرو، به حیث نقاط تمرکز آن، تأکید کرده‌اند. در واقع، اخیراً «جرم‌شناسی محیطی» این‌گونه

جرم و وضعیت محله است (Breetzke & Pearson, 2014; Skogan, 1990; Taylor, 1999, 2001; Wilson & Kelling, 1982). عدم رفع بی‌تمدنی و بی‌نظمی‌ها، باعث بروز احساس ترس در ساکنان منطقه می‌شود؛ زیرا آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که از میزان نظارت و مراقبت محلی کاسته شده است؛ بنابراین، سرانجام ساکنان منطقه کناره‌گیری می‌کنند و بدین وسیله سطح نظارت و مراقبت غیررسمی اجتماعی پایین می‌آید. یکی از مهم‌ترین راهبردهای دو دهه گذشته برای برقراری نظم و امنیت، رویکرد پنجره‌های شکسته^۱ بوده است. فرض اصلی این رویکرد، این است که تمرکز بر بی‌نظمی و جرایم کوچک (که عمدتاً بر اساس الگوی کاری و واکنشی برقراری نظم و امنیت، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد) کلید اصلی کاهش جرایم خشونت‌آمیز در بلند مدت است. محققان طرفدار رویکرد پنجره‌های شکسته، راهبرد خاصی را به منظور جلوگیری از کاهش میزان حضور افراد در عرصه‌های عمومی پیشنهاد نداده‌اند؛ اما یک سری روش‌ها را تبیین کرده‌اند که تمرکزشان بر کاهش مهاجرت افراد از طریق انجام اقدامات سرکوبگرانه در مواجهه با جرایم کوچک و بی‌نظمی بود (Kelling & Sousa, 2001). این روش‌ها شامل صدور بیانیه و انجام سخنرانی در مورد منع رفتارهای مخلف نظم و آرامش، پرسه زدن بی‌دلیل در خیابان‌ها و هر گونه بی‌نظمی و جرایم کوچکی می‌شد که ممکن بود در اقدامات پلیسی معمول نادیده گرفته شوند. این راهبردها همچنین دارای روش‌هایی خاص برای دست یافتن به علت اصلی این گونه بی‌نظمی‌های اجتماعی و یا مورد حمله قرار دادن، بی‌نظمی‌های فیزیکی، همانند ناسالم بودن ظاهر ساختمان‌ها و وجود اماکن متروک، با استفاده از اعمال قانون و یا توسعه اجتماعی بودند (Kelling & Sousa, 2001).

نیومن (۱۹۷۳) می‌گوید: «فضای قابل دفاع، ابزاری است برای بازسازی محیط‌های مسکونی شهرهایمان؛ به طوری که بتوانند دوباره قابل زندگی شوند و نه توسط پلیس؛ بلکه به

² Crime Prevention Through Environmental Design-CPTED

¹ Broken Windows

باشند. از طرفی، موانعی مانند بوته‌ها، آلونک‌ها، یا سایه‌هایی که به سبب وجود آلاچیق‌ها به وجود می‌آیند، می‌توانند مشاهده فعالیت در آن اماکن را دشوار سازند. محوطه‌سازی و نورپردازی می‌توانند به منظور افزایش مراقبت معمولی از داخل یک خانه یا ساختمان و از خارج توسط همسایگان و عابران طراحی شوند. ارتقای مراقبت معمولی و "رسمی" توسط دربانان بالقوه، مانند نگهبانان محوطه پارکینگ و کارمندان و متصدیان پذیرش هتل، نیز مهم است. اصل کلی‌تر "سخت‌تر کردن هدف"، از اجزای رهیافت پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی نیز هست. نمونه‌های آن، سازوکارهایی را شامل می‌شود که به وسیله قفل‌های پنجره، چفت و بند برای درها، لولاهای داخلی، دوربین مدار بسته، ورود یا دسترسی را غیرممکن یا کنترل می‌کند و نیز تکنولوژی دوربین مدار بسته مراقبت «رسمی» منظم را امکان‌پذیر می‌سازد (Cozens, 2002: 134).

تحقیقات زیادی تأثیرات اجزای نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی روی ترس از جرم را تأیید کرده‌اند (Blobaum & Hunecke, 2005; Pain, 2000; Schneider & Kitchen, 2007). پژوهشی که توسط اشنايدر و کیتچن^۱ (۲۰۰۷) بین اجزای رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی با ترس از جرم انجام شد، نشان داد: این رویکرد می‌تواند ترس از جرم را کاهش دهد. به طور خاص، این پژوهش نشان داد که دیده‌بانی و مراقبت خوب با استفاده از نور می‌تواند قابلیت دیده شدن محیط؛ به ویژه پیاده‌روها را افزایش دهد و در نتیجه، باعث افزایش احساس امنیت شود. قابل دیدن بودن محیط در یک فاصله خاص می‌تواند فرد را قادر سازد تا در مقابل هر چیزی که او را تهدید می‌کند، به سرعت واکنش نشان دهد (Blobaum & Hunecke, 2005). پژوهش‌ها نشان داد که برخی از اجزای CPTED قادر بوده‌اند اعمال مجرمانه و یا ترس از جرم را کاهش دهند یا مدیریت کنند (Kajalo & Lindblom, 2010; Md Sakip S. R. et al 2012).

تعریف شده است: «بررسی جرم، مجرمیت و تعدی؛ به طوری که اولاً به مکان‌های خاص ارتباط دارند و ثانیاً به روشی انجام می‌شوند که افراد و سازمان‌ها، فعالیت‌هایشان را بر مبنای مکان یا عوامل مکانی شکل می‌دهند». تز تأثیرگذار «پنجره‌های شکسته» ویلسون و کلینگ (Wilson & Kelling, 1982)، بر اهمیت حیاتی حفظ محیط به عنوان شاخصی فیزیکی برای سطوح همبستگی اجتماعی و نظارت اجتماعی غیررسمی تأکید می‌کرد. پژوهشگران متعددی موضوع نشانه‌های فیزیکی و اجتماعی بی‌تمدنی‌ها و ترس از جرم را بیشتر گسترش داده‌اند (Lewis & Salem, 1986). وکرل و وایتزمن برای افزایش ایمنی و امنیت در فضای شهری سه عامل را بیان می‌کنند: ۱- آگاهی از محیط؛ ۲- قابلیت مشاهده توسط دیگران و ۳- دسترسی آسان به کمک در صورت نیاز. رویکردهای جدید طراحی محیطی بر این نکته تأکید دارند که با توجه به ساختار کالبدی فضاهاى شهری و تدوین و اعمال ضوابط ویژه در آن‌ها می‌توان به میزان گسترده‌ای از ارتکاب جرایم شهری جلوگیری کرد. این امر از طریق کاهش ظرفیت بالقوه طبیعی مناطق شهر در جرم‌خیزی و یا امکان‌دهی به وقوع جرم، امکان تحقق می‌یابد (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۴).

پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در سال‌های اخیر، به لحاظ چشم‌انداز اجتماعی - فیزیکی در جرم‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری، ظهور کرده است. این مفاهیم، «فضای قابل دفاع» را به رویکردی کلی‌تر و جامعه محورتر اصلاح کردند. این موضوع، بر اساس چهار راهبرد کلیدی تعیین قلمرو مالکیت، مراقبت معمولی، فعالیت حمایتی و کنترل ورود، مورد اصلاح و ارزیابی مداوم است. یک بُعد ضروری دیگر، با حفظ و مدیریت مؤثر و مداوم فضای شهری سروکار دارد که به طور فعال مورد استفاده بوده و از استفاده کم و نامناسب از چنین فضایی جلوگیری می‌کند (برای مثال، رها کردن و خالی گذاشتن). حصارها، طرز سنگفرش‌ها، زیباسازی باغ‌ها، هنر، علائم، مراقبت خوب و محوطه‌سازی، نمونه‌هایی از طراحی فیزیکی هستند که می‌توانند به طور آشکار بیانگر مالکیت فعال

¹ Schneider & Kitchen

تئوری بی‌سازمانی اجتماعی

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی شماری از دیدگاه‌های نظری را شامل می‌شود که درصدد تشریح و تبیین فرایندهای اندیشه‌ای و ذهنی ترس از جرم هستند. این دیدگاه‌ها شامل: مدل تنوع خرده فرهنگی (ناهمگنی نژادی)، بی‌نظمی / بی‌تربیتی، نگرانی از فساد و انحطاط در جامعه (انحطاط) می‌شوند. مدل تنوع خرده فرهنگی پیشنهاد می‌کند مردمی که در همسایگی افراد با تنوع قومی، نژادی و فرهنگی زندگی می‌کنند، ترس بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ زیرا فرهنگ، سبک زندگی و رفتار این نوع همسایگان برای آن‌ها نامأنوس است. این اثرها هنگامی که پیوندهای اجتماعی محلی ضعیف باشد، افزایش می‌یابد (Lane & Meeker, 2005).

روش‌شناسی

این پژوهش به لحاظ رویکرد به موضوع احساس امنیت (بررسی، تحلیل و ارائه الگو) از نوع پیمایشی است. روش‌شناسی تحقیق حاضر بر پایه الگوی تلفیقی: مدل شناخت، مدل تحلیل است. مدل شناخت؛ الگو و فرایند ارزیابی عوامل مؤثر بر احساس امنیت تا تعیین پارامترها و لایه‌های اطلاعاتی مورد نیاز برای تحلیل را ارائه می‌دهد. مدل تحلیل؛ چگونگی به کارگیری روش‌های تحلیلی (فضایی و غیرفضایی) مورد نیاز برای ارزیابی و سنجش را تعیین می‌کند. برای شناسایی شاخص‌های مؤثر بر احساس امنیت در این پژوهش سه مرحله زیر طی شد:

گام اول بر اساس پژوهش‌های پیشین شاخص‌های احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن استخراج گردید؛ در گام دوم شاخص‌های استخراج شده با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی شهر بندرعباس مورد تدقیق و بومی‌سازی

قرار گرفت؛

در گام سوم شاخص‌های نهایی، با توجه به معیارهای: سطح تحلیل مطالعات تحقیق، موضوعیت داشتن عوامل در حوزه مطالعات کالبدی- فضایی و در دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز برای ارزیابی انتخاب شد.

شاخص‌سازی و عملیاتی کردن مفهوم احساس امنیت: احساس امنیت یا ناامنی و ترس از جرم، به طور نظری به عنوان یک واکنش احساسی از ترس و اضطراب نسبت به جرایم و یا نمادهایی که یک فرد آن‌ها را مرتبط با جرم می‌داند (Ferraro & La Grange, 1987, 1992) تعریف شده است. برای ایجاد یک واکنش ترس در انسان‌ها، شناخت از یک موقعیت که دارای حداقل پتانسیل خطر واقعی یا تصور شده، نیاز است (Ferraro, 1995). در تحقیق حاضر، احساس امنیت در حیطه‌های جانی، شغلی- مالی و حیثیتی در فضاهای عمومی باز شهر بندرعباس مطالعه خواهد شد. مقصود از الگوی فضایی پراکندگی پدیده‌های جغرافیایی یا فعالیت‌های اقتصادی، در سراسر سطح زمین و یا در داخل یک ناحیه، تحت شرایطی، شکل‌گیری الگوها را امکان‌پذیر می‌سازد. هر الگوی فضایی، حاصل تصمیم‌گیری‌های انسانی است. در سطح زمین هر الگوی فضایی، غالباً از سه فرم هندسی؛ نقاط (گره‌ها)، خطوط و حوزه‌ها و یک سطح جغرافیایی تشکیل می‌شود (شکوئی، ۱۳۷۵: ۳-۲۹۲). الگوی فضایی، عبارت است از یک گره به هم پیوسته کارکردی از فعالیت‌های اقتصادی و یا سکونتگاهی در یک حوزه ویژه که دارای ابعاد همگونی، گرهی و سلسله‌مراتبی است (شکوئی، ۱۳۷۵: ۲۹۴). در این پژوهش احساس امنیت با استفاده از طیف لیکرت با ابزار پرسشنامه سنجش شد.

جدول ۱- عملیاتی سازی متغیرهای مستقل (عوامل کالبدی، زمینه‌ای و اجتماعی فضاهای عمومی)

عوامل تأثیر گذار بر احساس امنیت در فضاهای شهری	شاخص‌های سنجش هر کدام از عوامل
عوامل کالبدی	کاربری‌ها و فعالیت‌ها، دسترسی‌ها و اتصالات فضا، بی‌دفاع بودن فضا (پنجره‌های شکسته)، بافت و خوانایی فضا، کمیت و کیفیت مبلمان و پذیرش روانی فضا
عوامل زمینه‌ای (فردی و فضایی)	دسترسی به حمل و نقل عمومی، وجود و حضور پلیس یا نگهبان در فضا
عوامل اجتماعی- فضایی	سرمایه اجتماعی، رفتارهای نامتمدنانه (ناهنجاری‌های اجتماعی) و ساختار اجتماعی

جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش فضاهای عمومی روباز شهر بندرعباس است که در همه فضاهای عمومی اصلی شهر شامل خیابان‌ها، پارک‌ها (اعم از ساحلی و غیرساحلی) و بازارهای شهر به طور تصادفی با ۲۹۰ نفر از افراد حاضر در این فضاها مصاحبه شد. واحد تحلیل در این تحقیق چند سطحی؛ در سطح فضای عمومی و

جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش یافته‌های پژوهش: یافته‌های توصیفی نشان داد که در مجموع از هشت شاخص کالبدی تأثیرگذار بر احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر بندرعباس تقریباً همگی در حد متوسط و متوسط به پایین - نامناسب - هستند.

جدول ۲- چکیده ارزیابی شهروندان از شاخص‌های کالبدی فضاهای عمومی

شاخص	میانگین	معنی‌داری تفاوت وضعیت ارزیابی از		جهت تأثیر بر احساس امنیت
		انحراف معیار	شاخص در هر نوع از فضاهای عمومی با هم، با استفاده از آزمون آنالیز واریانس	
وضعیت روشنایی	۲,۶۵	۰,۹۳	۰,۰۱	مستقیم
دسترسی به راه فرار از خطر در مواقع اضطراری در فضای عمومی	۳,۰۶	۱,۱۵	۰,۲۴	مستقیم
قرارگیری در بین حصارها-دیوارهای بلند-درختان و ساختمان‌های بلندمرتبه	۲,۳۹	۱,۱۴	۰,۰۰۰	معکوس
ورود موتورسیکلت و وسایل نقلیه موتوری در محل پیاده‌رو و سایر محل‌های استراحت	۲,۸۹	۱,۱۷	۰,۰۰۶	معکوس
وجود کاربری‌های مختلف در فضای عمومی	۲,۷۳	۱,۱۲	۰,۰۰۱	مستقیم
مناسب بودن کف پوش، مسیر تردد، بازی و ... در فضایی عمومی	۲,۴۲	۱,۰۵	۰,۲۶	مستقیم
مخروبه و متروکه بودن ساختمان‌های اطراف فضای عمومی	۲,۳	۰,۹۵	۰,۱۸	معکوس
تمیز و بهداشتی بودن فضای عمومی	۲,۵۷	۰,۰۰۹	۰,۰۰۱	مستقیم

چنانکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ارزیابی شهروندان از وضعیت شاخص‌های کالبدی احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر بندرعباس متوسط به پایین است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت فعلی شاخص‌های کالبدی فضاهای عمومی شهر بندرعباس از نظر شهروندان مناسب نیست.

عوامل کالبدی تأثیرگذار بر احساس امنیت

یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون چند متغیری با روش گام به گام نشان داد از بین عوامل کالبدی وارد شده در مدل رگرسیونی، شاخص‌های: ورود موتورسیکلت و وسایل نقلیه موتوری در محل پیاده‌رو و سایر محل‌های استراحت، وضعیت

ساختمان‌های اطراف فضای عمومی با ضریب همبستگی $R=0.46$ مجموعاً $R^2=0.24$ از واریانس احساس امنیت در فضاهای عمومی را تبیین می‌کنند.

روشنایی، مناسب بودن کف‌پوش، مسیر تردد، بازی و ... در فضایی عمومی، قرارگیری در بین حصارها- دیوارهای بلند- درختان و ساختمان‌های بلندمرتبه، مخروطه و متروکه بودن

جدول ۳- ارزیابی شهروندان از شاخص‌های اجتماعی فضاهای عمومی

شاخص	معنی‌داری تفاوت وضعیت ارزیابی از شاخص در هر نوع از فضاهای عمومی با هم			جهت تأثیر بر احساس امنیت
	میانگین	انحراف معیار		
نظارت عمومی	۲,۹۷	۰,۹۷	۰,۳۱	مستقیم
میزان تردد در فضا	۳,۷۲	۱,۰۲	۰,۰۴	مستقیم
بی‌نظمی و به هم ریختگی فضا	۳,۰۶	۱,۱۷	۰,۰۱	معکوس
حضور افراد مزاحم	۲,۶۲	۱,۱۵	۰,۰۴	معکوس
ناهمگونی جمعیت استفاده کننده	۳,۴۶	۱,۱۳	۰,۰۰۲	معکوس

چند متغیری با روش گام به گام نشان داد از بین عوامل اجتماعی وارد شده در مدل رگرسیونی، شاخص‌های: نظارت عمومی، بی‌نظمی و به هم ریختگی فضا، حضور افراد مزاحم، ناهمگونی جمعیت استفاده کننده با ضریب همبستگی $R=0.40$ مجموعاً $R^2=0.16$ از واریانس احساس امنیت در فضاهای عمومی را تبیین می‌کنند.

چنانکه در جدول فوق مشاهده می‌شود، ارزیابی شهروندان از وضعیت شاخص‌های اجتماعی احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر بندرعباس به طور کلی در حد متوسط است. همچنین، یافته‌های حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن نشان داد تمام شاخص‌های اجتماعی فضاهای عمومی با احساس امنیت در این فضاها رابطه معنی‌داری دارند. یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون

جدول ۴- چکیده ارزیابی شهروندان از وضعیت شاخص‌های زمینه‌ای در فضاهای عمومی

شاخص	معنی‌داری تفاوت وضعیت ارزیابی از شاخص در هر نوع از فضاهای عمومی با هم			جهت تأثیر بر احساس امنیت
	میانگین	انحراف معیار		
دسترسی به حمل و نقل عمومی	۳,۰۲	۱,۲۱۲	۰,۰۰۱	مستقیم
وجود پلیس یا نگهبان در فضا	۲,۴۱	۱,۰۳۳	۰,۰۰۱	مستقیم

متغیری با روش گام به گام نشان داد از بین عوامل زمینه‌ای وارد شده در مدل رگرسیونی، شاخص حضور پلیس یا نگهبان در فضا با ضریب همبستگی $R=0.32$ مجموعاً $R^2=0.10$ از واریانس احساس امنیت در فضاهای عمومی را تبیین می‌کنند.

چنانکه در جدول فوق مشاهده می‌شود، یافته‌های حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن نشان داد تمام شاخص‌های زمینه‌ای فضاهای عمومی با احساس امنیت در این فضاها رابطه معنی‌داری دارند.

همچنین، یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون چند

چنان‌که آورده شد، الگوی فضایی موجود احساس امنیت با حدّ مطلوب آن در اکثریت قریب به اتفاق شاخص‌های کالبدی، اجتماعی و زمینه‌ای فاصله دارد. همچنین، یافته‌های تحلیلی پژوهش نشان داد همه شاخص‌های فضایی با الگوی موجود احساس امنیت رابطه دارند. لذا برای دستیابی به الگوی مناسب باید تغییراتی در همه الگوهای موجود شاخص‌ها به منظور بهبود و اصلاح آن‌ها صورت پذیرد. امروزه آنچه در برنامه‌ریزی راهبردی مهم است، شناسایی عوامل کلیدی تأثیرگذار بر پدیده‌هاست. لذا با توجه به یافته‌های حاصل از رگرسیون چند متغیری، به ترتیب عوامل اجتماعی، زمینه‌ای و کالبدی بر احساس امنیت تأثیر دارند؛ لکن اگرچه در این الگو سهم عوامل اجتماعی و زمینه‌ای در تبیین واریانس الگوی موجود احساس امنیت بیشتر است؛ اما وقتی عمیق‌تر می‌شویم، بنا بر مبانی تئوریک، عوامل اجتماعی خود معلول عوامل کالبدی هستند؛ به این معنی که وقتی شاخص‌های کالبدی احساس امنیت در وضعیت مطلوبی باشند، ناهنجاری‌های اجتماعی در فضاهای عمومی کاهش و زمینه بروز فعالیت‌های اجتماعی مثبت و تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود. با عنایت به این موضوع، اقدام به آزمون تأثیرات عوامل کالبدی و زمینه‌ای بر عوامل اجتماعی شد. یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون چند متغیری نشان داد که همبستگی بین عوامل کالبدی با اجتماعی $R=0.48$ و ضریب تعیین آن $R^2=0.23$ است. با توجه به اینکه همه عوامل اجتماعی، زمینه‌ای و کالبدی در تعامل با یکدیگر الگوی موجود احساس امنیت را تبیین کرده‌اند، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که الگوی فضایی احساس امنیت الگویی اندام‌وار است و لذا الگوی مناسب باید با توجه به اندام‌وارگی جنبه‌های کالبدی، اجتماعی و زمینه‌ای احساس امنیت ارایه شود. در ادامه، الگوی مناسب هر شاخص آورده شده است. بدون شک، با توجه به اندام‌وار بودن الگوی مناسب باید تمامی این شاخص‌ها در تعامل با هم دیده شوند.

عوامل تأثیرگذار بر الگوی فضایی احساس امنیت در

فضاهای عمومی شهر بندرعباس

برای پاسخگویی به این سؤال به طور مکمل از آزمون‌های همبستگی و پیرسون استفاده شد. یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن نشان داد: بین احساس امنیت با عوامل اجتماعی (ضریب همبستگی پیرسون با $R=-0.373$) و ضریب همبستگی اسپیرمن با $R=-0.375$)، کالبدی ضریب همبستگی پیرسون با $R=0.304$) و ضریب همبستگی اسپیرمن با $R=0.270$) و زمینه‌ای (ضریب همبستگی پیرسون با $R=0.242$) و ضریب همبستگی اسپیرمن با $R=0.242$) رابطه معناداری در سطح $0/01$ وجود دارد. جهت رابطه احساس امنیت با عوامل اجتماعی معکوس است؛ یعنی هر چه شاخص‌های اجتماعی فضایی نامناسب‌تر باشد، احساس امنیت کمتر می‌شود و بالعکس. چنان‌که انتظار می‌رود جهت رابطه در عوامل کالبدی و زمینه‌ای با احساس امنیت مستقیم است؛ یعنی هر چه شاخص‌های کالبدی و زمینه‌ای در فضاهای عمومی مطلوب‌تر باشد، احساس امنیت بیشتر می‌شود. همچنین، رابطه تعاملی بین عوامل کالبدی و زمینه با عوامل اجتماعی، معکوس و معنادار است. بنابر مبانی نظری، چنان‌که وضعیت شاخص‌های کالبدی و زمینه‌ای در فضای عمومی مطلوب نباشد، زمینه برای ظهور و بروز مسایل اجتماعی فضایی افزایش پیدا می‌کند و بالعکس.

با توجه به اینکه برای برنامه‌ریزی راهبردی در یک حوزه نیازمند مشخص کردن عوامل کلیدی تأثیرگذار بر احساس امنیت در فضاهای عمومی هستیم، لذا باید با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیری میزان تأثیر هر کدام از عوامل فوق بر متغیر وابسته را آزمون کرد. در ادامه، یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون چندمتغیری هر کدام از فاکتورهای کالبدی، اجتماعی و زمینه‌ای بر احساس امنیت ارایه شده است.

الگوی مناسب کالبدی احساس امنیت در فضاهای عمومی

شهر بندرعباس

ویژگی‌های الگوی کالبدی مناسب احساس امنیت در فضاهای عمومی

چنانکه آورده شد، یافته حاصل از رگرسیون چند متغیری با روش گام به گام نشان داد که از بین شاخص‌های کالبدی در یک مدل چند متغیره، شاخص‌های کالبدی: "ورود موتورسیکلت و وسایل نقلیه موتوری در محل پیاده‌رو و سایر محل‌های استراحت، وضعیت روشنایی، مناسب بودن کف‌پوش، مسیر تردد، بازی و ... در فضایی عمومی، قرارگیری در بین حصارها- دیوارهای بلند- درختان و ساختمان‌های بلندمرتبه، مخروبه و متروکه بودن ساختمان‌های اطراف فضای عمومی" تأثیرات معنی‌داری بر احساس امنیت دارند. لذا در طراحی الگوی مناسب احساس امنیت باید به این قبیل شاخص‌ها اهمیت بیشتری داده شود.

نور و روشنایی: ارزیابی پاسخگویان از وضعیت نور و روشنایی در فضاهای عمومی سطح شهر بندرعباس با میانگین ۲,۶۵ در طیف پنج قسمتی نشان‌دهنده این است که شهروندان ارزیابی مثبتی از وضعیت روشنایی و نور فضاهای عمومی ندارند و وضعیت آن را متوسط به پایین ارزیابی کرده‌اند. پس برای رسیدن به سطح مطلوب روشنایی در فضاهای عمومی بندرعباس باید میزان روشنایی این فضاها را افزایش داد؛ به ویژه خیابان دانشگاه، پارک دباغیان، بازار ۲۲ بهمن در اولویت هستند.

دسترسی به راه فرار از خطر در مواقع اضطراری: ارزیابی پاسخگویان از چگونگی وجود راه فرار از خطر در مواقع اضطراری در فضاهای عمومی سطح شهر بندرعباس با میانگین ۳,۰۷ در طیف پنج قسمتی نشان‌دهنده این است که شهروندان از چگونگی وجود راه فرار از خطر در مواقع اضطراری فضاهای عمومی ارزیابی متوسطی دارند و وضعیت آن را متوسط ارزیابی کرده‌اند. الگوی مناسب دسترسی در فضاهای عمومی این است که این فضاها قابلیت دید مناسب و دسترسی آسان برای فرار از خطر در مواقع ضروری را داشته باشند.

قرارگیری در بین حصارها، دیوارهای بلند، درختان و ساختمان‌های بلند مرتبه: ارزیابی پاسخگویان از قرارگیری فضاهای عمومی در بین حصارهای سطح شهر بندرعباس با میانگین ۲,۴۰ در طیف پنج قسمتی نشان‌دهنده این است که شهروندان چگونگی قرارگیری فضاهای عمومی در بین حصارها و دیوارهای بلند را متوسط به پایین ارزیابی کرده‌اند. برای جلوگیری از واقع شدن در بین حصارها، دیوارهای بلند، درختان و ساختمان‌های بلند مرتبه در فضاهای عمومی باید فضاها با قابلیت دید مناسب طراحی شوند. همچنین، فواصل درختان باید به گونه‌ای باشد تا از ایجاد مناطق کور با حایل‌هایی، نظیر: بوته‌ها، درختچه‌ها و درختان که امکان نظارت مستقیم را دشوار می‌کند، مانع شود.

ورود موتورسیکلت در محل پیاده‌رو و سایر محل‌های استراحت: ارزیابی پاسخگویان از ورود موتورسیکلت در محل پیاده‌رو در فضاهای عمومی با میانگین ۲,۹۰ در طیف پنج قسمتی نشان‌دهنده این است که شهروندان وضعیت آن را مناسب نمی‌دانند. الگوی مناسب در این قبیل فضاها، الگویی است که مانع از ورود موتورسیکلت و ... به پیاده‌رو و فضای استراحت شود. این اقدام یکی از کلیدی‌ترین اقدامات دستیابی به الگوی مناسب است.

وجود کاربری‌های مختلف در فضا: ارزیابی پاسخگویان از وجود کاربری‌های مختلف در فضاهای عمومی با میانگین ۲,۷۳ در طیف پنج قسمتی نشان‌دهنده این است که شهروندان ارزیابی مثبتی از چگونگی وجود کاربری‌های مختلف فضاهای عمومی ندارند و وضعیت آن را متوسط به پایین ارزیابی کرده‌اند. پس برای رسیدن به حد مطلوب احساس امنیت در فضاهای عمومی بندرعباس باید با ایجاد کاربری‌های مختلف در فضا، زمینه حضور افراد و پویایی فضا در ساعت‌های مختلف را به وجود آورد؛ به‌ویژه این کاربری‌ها باید باعث رونق بخشیدن به این فضاهای عمومی در ایام تعطیل و ساعات خلوت شوند.

مناسب بودن کف‌پوش مسیر تردد، بازی و ورزش:

ویژگی‌های الگوی مناسب اجتماعی احساس امنیت در

فضاهای عمومی شهر بندرعباس

چنانکه آورده شد، الگوی اجتماعی موجود احساس امنیت با حدّ مطلوب آن در اکثریت قریب به اتفاق شاخص‌های اجتماعی فاصله دارد. همچنین، در یافته‌های تحلیلی پژوهش مشاهده شد که همه شاخص‌های اجتماعی با الگوی موجود احساس امنیت رابطه دارند. لذا برای دستیابی به الگوی مناسب باید تغییراتی در همه الگوهای موجود شاخص‌ها به منظور بهبود و اصلاح آن‌ها صورت پذیرد؛ اما امروزه آنچه در برنامه‌ریزی راهبردی مهم است، شناسایی عوامل کلیدی برای مداخله است. لذا با توجه به یافته‌های حاصل از رگرسیون چندمتغیری به ترتیب نقش شاخص‌های " نظارت عمومی، بی‌نظمی و به هم ریختگی فضا، حضور افراد مزاحم، ناهمگونی جمعیت استفاده‌کننده در تبیین الگوی موجود احساس امنیت بیشتر و معنی‌دار بود. لذا در طراحی الگوی مناسب اجتماعی احساس امنیت باید به این قبیل شاخص‌ها اهمیت بیشتری داده شود.

در ادامه، ویژگی الگوی مناسب هر کدام از شاخص‌های اجتماعی ارایه شده است:

دیده شدن توسط دیگران (نظارت عمومی): ارزیابی پاسخگویان از نظارت عمومی در فضاهای عمومی سطح شهر بندرعباس با میانگین ۲٫۹۷ در طیف پنج قسمتی، نشان‌دهنده این است که شهروندان نظارت عمومی در فضاهای مختلف را در حدّ متوسط می‌دانند. میانگین ارزیابی هر کدام از این فضاها در مقایسه با دیگر فضاها تفاوت معنی‌داری را نشان نداد. برای رسیدن به سطح مناسب میزان دیده‌شدن توسط دیگران در فضاهای عمومی بندرعباس، با اقداماتی، مانند: ایجاد فضاهای فرهنگی، ورزشی و... در داخل فضاهای عمومی برای حضور و فعالیت مستمر کودکان، زنان، سالخوردگان و... فرصت برای نظارت عمومی بیشتر می‌شود. همچنین، می‌توان نظارت اجتماعی را از طریق ابزارهای مکانیکی (روشنایی، دوربین، گیت، قفل) و یا طبیعی

ارزیابی پاسخگویان از مناسب بودن کف‌پوش مسیر تردد، بازی و ورزش سطح شهر بندرعباس با میانگین ۲٫۴۲ در طیف پنج قسمتی نشان‌دهنده این است که شهروندان ارزیابی مثبتی از وضعیت کف‌پوش، مسیر تردد، بازی و ورزش در فضاهای عمومی ندارند و آن را متوسط به پایین ارزیابی کرده‌اند. برای دستیابی به الگوی مناسب باید این فضا با مصالح مناسب و ... کف‌سازی شوند.

مخروبه یا متروکه بودن ساختمان‌های اطراف: ارزیابی پاسخگویان از مخروبه یا متروکه بودن ساختمان‌های اطراف فضاهای عمومی سطح شهر بندرعباس با میانگین ۲٫۳۰ در طیف پنج قسمتی نشان‌دهنده این است که فضاهای عمومی کمتر در بین فضاهای مخروبه یا متروکه قرار دارند. برای دستیابی به الگوی مناسب باید اولاً فضاهای جدید عمومی در مکان‌های مناسب ایجاد شوند و ثانیاً برای احیای فضاهای موجود، مجموعه‌ای از اقدامات نوسازی و بهسازی اجرا شود.

تمیز و بهداشتی بودن: ارزیابی پاسخگویان از میزان تمیز و بهداشتی بودن فضاهای عمومی سطح شهر بندرعباس با میانگین ۲٫۵۸ در طیف پنج قسمتی نشان‌دهنده این است که شهروندان ارزیابی مثبتی از میزان تمیز و بهداشتی بودن در فضاهای عمومی ندارند و وضعیت آن را متوسط به پایین ارزیابی کرده‌اند. برای رسیدن به سطح مطلوب میزان تمیز و بهداشتی بودن فضاهای عمومی بندرعباس، باید با فراهم کردن تسهیلات بهداشتی و آموزش استفاده‌کنندگان به تمیز نگه‌داشتن فضاهای عمومی، وظیفه‌شناسی مأموران شهرداری به نظافت و تمیزی فضاهای عمومی باعث ارتقای کیفیت جذابیت فضا و به تبع آن آسایش، رفاه و احساس امنیت شهروندان شد.

در مجموع، با توجه به اینکه از هشت شاخص کالبدی، پنج شاخص کالبدی تأثیرات معناداری بر احساس امنیت داشته‌اند، در برنامه‌ریزی برای مداخله جهت دستیابی به الگوی مناسب باید به این پنج شاخص اولویت بیشتری داد.

(روزنه‌ها)، پنجره‌ها یا موانع طبیعی توسعه داد.

میزان تردد در فضای عمومی: ارزیابی پاسخگویان از میزان تردد در فضاهای عمومی سطح شهر بندرعباس با میانگین ۳,۷۲ در طیف پنج قسمتی، نشان‌دهنده این است که شهروندان ارزیابی مثبتی از میزان تردد در فضاهای عمومی دارند و وضعیت آن را متوسط به بالا ارزیابی کرده‌اند. میانگین ارزیابی از تردد در فضاهای عمومی تفاوت معنی‌داری را نشان نداد. برای رسیدن به الگوی مناسب میزان تردد در فضاهای عمومی بندرعباس می‌توان با انجام اقداماتی، مثل: فراهم‌سازی دسترسی مناسب و فراهم‌کردن تسهیلات مورد نیاز استفاده‌کنندگان از فضا، ایجاد جذابیت در فضاهای عمومی و افزایش احساس امنیت، از تردد زیاد شهروندان و عابران پیاده یا ساکنان از معابر و مسیرهای دسترسی بهره گرفت.

میزان بی‌نظمی و به هم ریختگی: ارزیابی پاسخگویان از بی‌نظمی و به هم ریختگی در فضاهای عمومی سطح شهر بندرعباس با میانگین ۳,۰۶ در طیف پنج قسمتی، نشان‌دهنده این است که شهروندان بی‌نظمی و به هم ریختگی فضاهای عمومی را متوسط می‌دانند؛ در حالی که حدّ ایده‌آل آن صفر است. لذا برای جلوگیری از بی‌نظمی و به هم ریختگی در فضاهای عمومی بندرعباس باید ضمن آموزش شهروندان، سطل‌های زباله در مکان‌های مناسب قرار گیرد، به کاربری‌های متناسب با مکان و سازگار مجوز داده شود، واحد زیباسازی شهری نسبت به حذف و جلوگیری از دیوارنوشته‌های ترسناک اقدام نماید، با وضع قوانین از سدّ معبر و بساط وسایل در معابر جلوگیری شود و از گونه‌های درختی که برگ‌ریزی کمتری دارند، استفاده شود.

میزان حضور افراد مزاحم: ارزیابی پاسخگویان از حضور افراد مزاحم در فضاهای عمومی سطح شهر بندرعباس با میانگین ۲,۶۰ در طیف پنج قسمتی، نشان‌دهنده این است که شهروندان ارزیابی مثبتی از حضور افراد مزاحم در فضاهای عمومی ندارند. ایده‌آل آن است که فضاهای عمومی عاری از حضور افراد مزاحم باشند. لذا برای دستیابی به الگوی مناسب

و پیشگیرانه فضایی احساس امنیت باید اولاً طراحی شاخص‌های کالبدی در فضا به درستی انجام شود تا فضای عمومی مکان امنی برای حضور ارادل و اوباش نباشد؛ ثانیاً حضور و برخورد پلیس باید همیشگی و قاطع باشد و مکان‌یابی استقرار نگهبان و پلیس به گونه‌ای باشد که نظارت کاملی بر فضا داشته باشد. در این راستا، می‌توان از دوربین‌های مداربسته، مشارکت شهروندان، مردم ساکن در محل، کسبه و ... کمک گرفت و ثالثاً باید فضاها را با ایجاد کاربری‌های مختلف و ... پویا نمود.

میزان ناهمگونی جمعیت: ارزیابی پاسخگویان از میزان ناهمگونی جمعیت در فضاهای عمومی با میانگین ۳,۴۶ در طیف پنج قسمتی، نشان‌دهنده این است که شهروندان میزان ناهمگونی جمعیت در فضاهای عمومی را متوسط به بالا ارزیابی کرده‌اند. مقایسه میانگین ارزیابی از ناهمگونی جمعیت در فضاهای عمومی مختلف به طور معنی‌داری متفاوت است. با توجه به موقعیت گردشگری شهر بندرعباس، این شهر در اغلب اوقات سال؛ به ویژه در فصل زمستان، پذیرای گردشگران و افراد جویای کار و ... از سرتاسر کشور است. لذا ناهمگونی جمعیت استفاده‌کننده از فضا در این شهرستان امری طبیعی است. اما ناهمگونی جمعیت در صورت عدم نظارت مردمی و رسمی و با طراحی نامناسب فضاهای عمومی می‌تواند زمینه بروز جرم و بزهکاری و به تبع احساس ناامنی و ... را فراهم سازد. پس برای جلوگیری از میزان ناهمگونی جمعیت در فضاهای عمومی شهری باید شاخص‌های کالبدی و زمینه‌ای تأثیر گذار بر احساس امنیت را بهبود بخشید.

ویژگی‌های الگوی زمینه‌ای مناسب احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر بندرعباس: چنانکه آورده شد، ارزیابی پاسخگویان از میزان حضور پلیس، نگهبان در فضاهای عمومی سطح شهر بندرعباس با میانگین ۲,۴۱ در طیف پنج قسمتی نشان‌دهنده این است که شهروندان ارزیابی مثبتی از وضعیت از میزان حضور پلیس، نگهبان در فضاهای عمومی

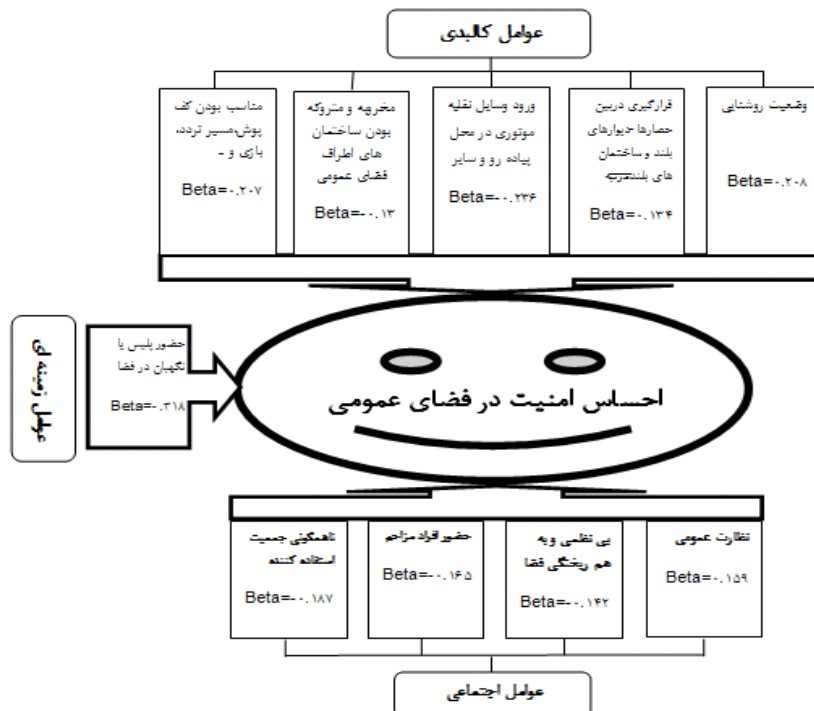
ندارند و وضعیت آن را متوسط به پایین ارزیابی کرده‌اند. همچنین، ارزیابی از دسترسی به وسیله حمل و نقل عمومی در فضاهای عمومی در حد متوسط است. یافته حاصل از رگرسیون چند متغیری با روش گام به گام نشان داد که از بین شاخص‌های زمینه‌ای وارد شده در مدل رگرسیونی، شاخص حضور پلیس یا نگهبان در فضا با ضریب همبستگی $R=0.32$ مجموعاً $R^2=0.10$ از واریانس احساس امنیت در فضاهای عمومی را تبیین می‌کنند. لذا در طراحی الگوی مناسب زمینه‌ای احساس امنیت باید به این شاخص اهمیت بیشتری داده شود. در ادامه، ویژگی‌های الگوی مناسب احساس امنیت در هر کدام از شاخص‌های زمینه‌ای ارائه شده است:

دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی: چنانکه آورده شد، ارزیابی از این شاخص زمینه‌ای ارزیابی در حد متوسط است. لذا برای دسترسی آسان شهروندان به وسایل حمل و نقل عمومی در فضاهای عمومی شهر باید شبکه‌های حمل و نقل عمومی با توجه به نیاز شهروندان و تراکم جمعیت؛ به

ویژه در بافت‌های نوساز طراحی شوند.

میزان حضور پلیس، نگهبان و ... در فضای عمومی: ارزیابی پاسخگویان از میزان حضور پلیس، نگهبان در فضاهای عمومی شهر بندرعباس با میانگین $2,41$ در طیف پنج قسمتی، نشان‌دهنده این است که شهروندان ارزیابی مثبتی از وضعیت از میزان حضور پلیس، نگهبان در فضاهای عمومی ندارند و وضعیت آن را متوسط به پایین ارزیابی کرده‌اند.

برای افزایش میزان حضور پلیس، نگهبان و ... در فضای عمومی شهری باید از طریق اولویت‌بخشی به فعالیت‌های پلیس بر پایه استفاده بیشتر از دوربین‌های مدار بسته و فناوری‌های پیشرفته سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی، افزایش مراکز پلیس و کلانتری در محدوده فضاهای عمومی، امکان نظارت مناسب انتظامی را افزایش داد. لذا مکان‌یابی استقرار نگهبان و پلیس باید به گونه‌ای باشد که نظارت کاملی بر فضا داشته باشد. همچنین، می‌توان از مشارکت شهروندان، مردم ساکن در محل، کسبه و ... نیز کمک گرفت.



شکل ۱- مدل تجربی الگوی فضایی احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر بندرعباس

منابع

- Foster, S. Matthew, K. Paula, H. Hayley, C. & Billie, G. (2014) "Do Changes in Residents' Fear of Crime Impact their Walking? Longitudinal Results from Reside", *Preventive Medicine*, No. 62, p. 161-166.
- Garofalo, J. (1979) "Victimization and Fear of Crime". *Journal of Research in Crime and Delinquency*, No. 16(1), p. 80-97.
- Hinkle, C. J. & Weisburd, D. (2008) "The Irony of Broken Windows Policing: A Micro-Place Study of the Relationship between Disorder, Focused Police Crackdowns and Fear of Crime", *Journal of Criminal Justice*, No. 36, p. 503-512.
- Kajalo, S. & Lindblom, A. (2010) "How Retail Entrepreneurs Perceive the Link between Surveillance, Feeling of Security, and Competitiveness of the Retail Store? A Structural Model Approach". *Journal of Retailing and Consumer Services*, No. 17, p. 300-305.
- Kelling, G. L. & Sousa, W. H. (2001) Do police matter? An analysis of the impact of New York City's police reforms (Civic Report No. 22). New York: Manhattan Institute for Policy Research
- Lane, J. and Meeker, W. J. (2005) "Theories and Fear of Gang Crime among Whites and Latinos: A Replication and Extension of Prior Research", *Journal of Criminal Justice*, No. 33, p. 627-641.
- Lewis, D. A. & Salem, G. (1986) *Fear of crime*. New Brunswick, NJ: Transaction Books
- Lubuva, J. and Mtani, A. (2004) "Urban Space and Security: A Case of the Dar Es Sallam", Safety Audits for women, Dar Es Sallam, Tanzania
- Markowitz, F. E. Bellair, P. E. Liska, A. E. & Liu, J. (2001) "Extending Social Disorganization Theory: Modeling the Relationships between Cohesion, Disorder and Fear". *Criminology*, No. 39, p. 293-320.
- Md Sakip, S. R. Noraini, J. Mohd, N. Mohd, S. (2012) "The Relationship between Crime Prevention Through Environmental Design and Fear of Crime". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, No. 68, p. 628 - 636.
- Nasar, J. L. & Fisher, B. (1993) "Hot Spots of Fear and Crime: A Multi-Method Investigation". *Journal of Environmental Psychology*, No. 13(3), p. 187-206.
- Pain, R. (2000) "Place, Social Relations and the Fear of Crime: A Review". *Progress in Human Geography*, No. 24(3), p. 365-387.
- Schneider, R. H. & Kitchen, T. (2007) "Crime Prevention and the Built Environment". New York: Routledge, New York
- پورجعفر، م. و همکاران. (۱۳۸۷). «ارتقاء امنیت محیطی و کاهش جرائم شهری با تأکید بر رویکرد C.P.T.E.D»، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ویژه‌نامه مهندسی معماری و شهرسازی، ج ۱۹، ش ۶، ص ۷۳-۸۲.
- محمودی جانکی، ف. و قورچی بیگی، م. (۱۳۸۸). «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۲، ص ۳۴۵-۳۶۸.
- مدیری، آ. (۱۳۸۵). «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۲، ص ۹-۲۸.
- نوروزی، ف. و فولادی سپهر، س. (۱۳۸۸). «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، مجله راهبرد، ش ۵۳، ص ۱۲۹-۱۶۰.
- Akenya Alkimim, A. Keith, C. C. & Oliveira F. S. (2013) "Fear, Crime and Space: The Case of Viçosa, Brazil", *Applied Geography*, No. 42, p. 124-132.
- Blobaum, A. & Hunecke, M. (2005) "Perceived Danger in Urban Public Space; The Impacts of Physical Features and Personal Factors". *Environment and Behavior*, No. 37(4), p. 465-486.
- Breetzke, G. D. & Pearson A. L. (2014) "The Fear Factor: Examining the Spatial Variability of Recorded Crime on the Fear of Crime", *Applied Geography*, No. 46, p. 45-52.
- Cozens, P. M. (2002) "Sustainable Urban Development and Crime Prevention through Environmental Design for the British City. Towards an Effective Urban Environmentalism for the 21st Century", *Cities*, Vol. 19, No. 2, p. 129-137.
- Du Plessis, C. (1999) "The Links between Crime Prevention and Sustainable Development". *Open House International*, No. 24(1), p. 33-40.
- England, M. R. & Simon, S. (2010) "Scary Cities: Urban Geographies of Fear, Difference and Belonging". *Social & Cultural Geography*, No. 11(3), p. 201-207.

- Shahdadi, Kh. A. & Zanjanizadeh, E. (2008) "Fear of Crime among Women, Causes and Consequences (A Case Study on Bandar Abbas City, Hormozgan Province)" *JISS*, Vol. 2, No. 1, p. 118-162.
- Skogan, W. (1990) *"Disorder and decline: Crime and the spiral of decay in American neighborhoods"*. New York: The Free Press
- Taylor, R. B. (1999a) *The incivilities thesis: Theory, measurement, and policy*. In R. H.Langworthy (Ed.), *Measuring what works: Proceedings from the police research institute meeting* (pp. 65–88). Washington, DC: U.S. Department of Justice, National Institute of Justice and Office of Community-Oriented Policing Services
- Taylor, R. B. (1999b) *"Crime, grime, fear, and decline: A longitudinal look (Research in Brief)"*. Washington, DC: National Institute of Justice.
- Taylor, R. B. (2001) *Breaking away from broken windows: Baltimore neighborhoods and the nationwide fight against crime, grime, fear, and decline*. Boulder, CO: West view Press.
- Taylor, R. B., & Hale, M. M. (1986). Testing alternative models of fear of crime. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 26, 151–189.
- Valenta, R. (2013) "Social Insecurity and Perception of Insecurity in Barcelona". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, No. 140, p. 462 – 466.
- Valera, S. & Guàrdia, J. (2014) "Perceived Insecurity and Fear of Crime in a City with Low-Crime Rates", *Journal of Environmental Psychology*, No. 38, p. 195-205.
- Wilson, J. Q. & Kelling, G. L. (1982) "Broken Windows". *Atlantic Monthly*, No. 211, p. 29–38.

